

تأیید کاربرد

رویکرد بین‌رشته‌ای در میان

پژوهش‌های فردوسی‌شناسی

از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۷

زهرا قربانی پور

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی،

دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

چکیده

در این نوشتار، ابتدا همه پژوهش‌های حوزه فردوسی‌شناسی، در سه دسته اصلی شامل بنیادی، کاربردی و توسعه‌ای قرار می‌گیرد. سپس، از میان آن‌ها پژوهش‌های بین‌رشته‌ای، جهت شناسایی تأثیر کاربرد روش بین‌رشته‌ای تبیین می‌شود و این روش، خود گامی نوین در راه همسوسازی پژوهش‌های فردوسی‌شناسی با سایر رشته‌ها و با هدف افزایش تألیفات در این حوزه است. بارزترین دستاورد این بررسی، اشاره به کاربرد روش بین‌رشته‌ای در میان تألیفات حوزه فردوسی‌شناسی پس از انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۸۷ است که تاکنون اشاره‌ای به آن نشده است.

کلیدواژه‌ها: پژوهش‌های حوزه فردوسی‌شناسی، روش بین‌رشته‌ای

مقدمه

توجه به رویکرد بین‌رشته‌ای^۱، در تمام رشته‌های علوم انسانی، مثل جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و ... در چند دهه گذشته

۱. بُعد انواع ادبی^۲

قدرت هنری فردوسی در آفرینش داستان‌های شاهنامه در چنان پایه‌ای است که اهل هنر زمینه مناسبی برای ارائه کارهای خود بیشتر از سایر متون ادبی، یافته‌اند. برخی این داستان‌ها را در قالب نمایش‌نامه و فیلم‌نامه و برخی دیگر بر پایه معیارهای هنر داستان‌نویسی بازآفرینی نموده‌اند. در این حیطه حتی داستان‌های شاهنامه را به نثر روان و رسا برای گروه‌های سنی مختلف، بازنویسی کرده‌اند. بنابراین، بازآفرینی‌ها و بازنویسی‌ها در این حوزه، از کمیت نسبتاً خوبی برخوردار است.^۳ از نظر کیفیت، تقریباً در تمام آثار، تنها به ارائه اطلاعات بسنده شده و فاقد تحلیل و بینش خاصی است. تعداد پژوهش‌های انجام گرفته ۹۸ عنوان کتاب است. از میان آثاری که تاکنون از داستان‌های شاهنامه بازآفرینی و بازنویسی شده، می‌توان به کتاب *سیاوش خوانی (فیلم‌نامه)* اثر بهرام بیضایی و کتاب *برگردان روایت‌گونه شاهنامه* فردوسی اثر سیدمحمد دبیرسیاقی اشاره کرد.

مقبولیت گسترده‌ای یافته است اما پس از انقلاب اسلامی و تاکنون، در این باره تحقیقات چندانی در خصوص فردوسی و شاهنامه، صورت نگرفته است. بنابراین، انتخاب روش بین‌رشته‌ای در انجام پژوهش‌های فردوسی‌شناسی، یکی از چالش‌های مهم پیش‌روی پژوهندگان، در این راستاست.

هدف از نگارش مقاله حاضر، بررسی تأثیر این روش در حوزه فردوسی و شاهنامه، برای پر کردن فاصله بین شرایط فعلی پژوهش‌ها و شرایط ایده‌آل آن‌هاست. به این منظور، با دسته‌بندی تمام تألیفات فردوسی‌شناسی، در سه دسته بنیادی، کاربردی و توسعه‌ای، به بررسی کیفیت، کمیت و چگونگی رابطه و تأثیر روش بین‌رشته‌ای بر تألیفات فردوسی‌شناسی، پرداخته شده و در پاسخ به این سؤال نگاشته شده است: کیفیت و کمیت و نحوه تحقیقات بین‌رشته‌ای در میان پژوهش‌های فردوسی‌شناختی، چگونه است؟ (نمودار ۱ و نمودار ۲)



۲. بعد جامعه‌شناختی

نویسندگان و پژوهشگران در این حوزه خواسته‌اند تا میزان حضور مسائل و مباحث اجتماعی را از بطن داستان‌های شاهنامه بسنجند و آن‌ها را استخراج کنند. تعداد این پژوهش‌ها ۱۳ عنوان کتاب است و نشان می‌دهد این بُعد در شاهنامه فردوسی، چندان نیرومند، گسترده و عمیق ظاهر نشده است. بی‌گمان، نگاه به شاهنامه فردوسی و بازکاوی طرح‌های ارائه‌شده از آن، بالاخص در بعد جامعه‌شناختی، می‌تواند در خلق آثار جدید ما در این قلمرو نقش و تأثیری بی‌بدیل داشته باشد. از میان

نمودار شماره ۲) پژوهش‌های بین‌رشته‌ای



آثار این بخش می‌توان به کتاب «جامعه‌شناسی خودکامگی» اثر علی رضاقلی و «فریدونیان، ضحاکیان و مردمیان» اثر جواد جوادی اشاره کرد. علی رضاقلی در کتاب جامعه‌شناسی خودکامگی با بررسی جامعه زمان فردوسی به این نتیجه می‌رسد که فرهنگ سیاسی ایران نه تنها از تفکر عمیق نسبت به تحلیل دوره گذشته خود عاجز مانده است بلکه هنوز آن سنت برخورد ساده‌اندیشانه و عوامانه را در تمام رفتارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود دارد که متأسفانه نگرش عاطفی ایرانیان نسبت به مقوله‌های اجتماعی و انسانی کشور ایران، غالباً ناکارآمد بوده است. جواد جوادی در کتاب فریدونیان، ضحاکیان و مردمیان، از منظری جامعه‌شناختی، به بررسی الیگارشی دوران

نمودار شماره ۱) پژوهش‌های فردوسی‌شناسی





ساسانیان پرداخته و سعی کرده است این موضوع را با تقابل ضحاک و فریدون و کاوه در شاهنامه تطبیق دهد.

۳. بُعد جغرافیایی

در این بعد، بنیاد اصلی نگاه نویسندگان و پژوهندگان بر شناخت و تبیین جغرافیای اساطیری شاهنامه، ریخته شده است. در راه تکوین این رویکرد، بی تردید، نخستین گام مهم و اساسی از آن دکتر حسین کریمان است و باید گفت باقی نویسندگان در این خصوص مطلب چشمگیری ارائه نکرده‌اند. به‌طور کلی باید گفت نگاه جغرافیای اساطیری به داستان‌های شاهنامه، با همه تلاش‌های محققان، هنوز چنان که باید شکافته و شناخته نشده است. به همین دلیل این تحقیقات خالی از اشکال نیستند. تعداد این پژوهش‌ها ۴ عنوان کتاب است.

حسین کریمان در کتاب پژوهشی در شاهنامه (در باب ری پهنه تهران، البرز و ... در شاهنامه)، به تفصیل، در مورد مازندران و البرز بحث کرده و بر این باور است که مراد از البرز و مازندران در شاهنامه، این البرز و مازندران واقع در شمال تهران نیست و نظرات نو او در این خصوص از مهم‌ترین ویژگی‌های این کتاب محسوب می‌شود.

امید عطایی در کتاب ایران بزرگ (جغرافیای اسطوره‌ای و تاریخی مرزها و مردمان ایرانی) به بررسی و تقسیم‌بندی جغرافیایی تاریخی و اسطوره‌ای ایران در سه زمینه مرزهای طبیعی، سیاسی، مردمی و نژادی پرداخته است. از دیگر ویژگی‌های این کتاب استناد به برخی متون کهن اوستایی و برخی کتب قدیمی دیگر نظیر مجمل‌التواریخ و ... است.

۴. بُعد دینی

در خلال داستان‌های شاهنامه از آیات قرآن و احادیث اسلامی، به‌ویژه از نهج‌البلاغه بهره گرفته شده است که هر کدام در جای خود بسیار مفید است. در این حوزه، از نظر کیفیت، در تمام آثار تنها به ارائه اطلاعات بسنده شده، اما تحلیل و بینش خاصی را منعکس ننموده‌اند. تعداد این پژوهش‌ها ۱۲ عنوان کتاب است.

برای مثال، سجاد چوبینه در کتاب حکمت

نظری و عملی در شاهنامه فردوسی، سخت مصر است که نشان بدهد شاهنامه به دلیل آنکه دارای صیغه الهی قرآنی است در یادها باقی مانده و امروز مورد توجه است. مجید رستنده در کتاب قرآن و حدیث در شاهنامه فردوسی به تأثیرات قرآن و حدیث در نوشتار فردوسی پرداخته است. (نویسنده مصراغه بر این باور است که قرآن و حدیث یکی از منابع اصلی شاهنامه است).

۵. بعد روان‌شناختی

یکی از عوامل رشد روان‌شناسی در دنیای غرب، رابطه آن با اساطیر است. بنابراین، در ایران نیز می‌توان از اساطیر و حماسه‌های ایرانی به‌ویژه از شاهنامه فردوسی، در جهت اعتلای این علم بهره‌جویی کرد. رویکرد روان‌شناختی متون ادب فارسی از جمله به شاهنامه فردوسی کاری است که با همه اهمیتش هنوز اقدامات عمیق و فراخوری در باب آن صورت نگرفته است. در این بعد، نویسندگان علاوه بر نشان دادن انگیزه‌های درونی فردوسی از سرودن شاهنامه، به معرفی شخصیت‌های شاهنامه از حیث گونه‌شناسی شخصیتی پرداخته‌اند. تعداد این پژوهش‌ها ۲۲ عنوان کتاب است. در یک نگاه باید گفت که نویسندگان در این میدانگاه، هنوز نتوانسته‌اند ریزترین و باریکترین نکته‌ها را ببینند و در ظرافت و دقت موی بشکافند. از میان آثار این بخش می‌توان به کتاب «پیام‌های پرورشی در شاهنامه فردوسی» اثر بهمن‌داری اشاره کرد که در آن آموزش و پرورش انسان، با توجه به مفاهیم شاهنامه، مورد تحلیل قرار گرفته است. همچنین، امیرناصر معزی در کتاب «ادبیات و روان‌پزشکی»، از منظری روان‌شناسانه فردوسی را از خلال برخی داستان‌های شاهنامه به ما شناسانده است.

۶. بعد سیاسی

از آنجا که ادبیات با توجه به نقش عظیم اندیشه‌پردازی‌اش، امری سیاسی است نویسندگان کوشیده‌اند تا در این میدانگاه نیز به بررسی فضاهای داستان‌های شاهنامه بپردازند که به تبع آن تاحدودی توانسته‌اند زمینه‌ها و فضاهای بیشتری را برای رشد و پرورش بنا نهند. در یک نگاه، نویسندگان در

این رویکرد اندیشه‌های سیاسی مندرج در متن داستان‌های شاهنامه را کاویده‌اند. نویسندگان از نظر کیفیت، به دلیل انتقادگریزی، همچنان در این وادی به طرح دیدگاه‌ها، آن گونه که بایسته است، نپرداخته‌اند. در صورتی که، هدف اصلی پژوهش‌های ادبی، باید فهم جوهر متن، تفسیر و نقد آن‌ها باشد. تعداد پژوهش‌ها در این وادی، ۴ عنوان کتاب است. قلم رسای باقر پرهام در کتاب «با نگاه فردوسی»، تحلیل‌های منطقی و سیاسی از جامعه زمان فردوسی، شکیبایی بسیار تحسین‌انگیز او در بهره‌گیری از منابع گوناگون، همه از پژوهشگر پرکار و باحوصله این کتاب خبر می‌دهد. همچنین، اثر احمد پناهی‌سمانی، «فردوسی سروده‌خوان وحدت و حماسه ملی ایران، از آن حیث که توانسته است درک پدیده‌های تاریخی زمان فردوسی و همچنین منطق انجام دادن کار او را (از منظری سیاسی) بازگو کند، اثری شایسته و درخور توجه است.

۷. بعد عرفانی

از آنجا که در تاریخ ادبیات فارسی، یکی از جریان‌های مهم و توانمند، «عرفان» است، این دست رویکردها بسیار مهم تلقی می‌شوند چرا که می‌توانند درکی متفاوت و متمایز از دیگران به‌وجود آورند. اما باید گفت با وجود تمام تلاش‌ها و کاوش‌های پژوهندگان در این راستا، هنوز کارهای ناکرده بسیاری در پیش داریم. تعداد پژوهش‌ها در این وادی، ۸ عنوان کتاب است.

علیقلی محمودی‌بختیاری در کتاب «شاهنامه آبخور عارفان»، جوهر و جان شاهنامه را به نحو شایسته‌ای کاویده و فردوسی را عارفی آگاه و روشنفکر معرفی کرده و در این راه برای اثبات مدعای خود دلایل مستحکمی ارائه نموده است. یدالله قائم‌پناه نیز، در کتاب «عرفان در شاهنامه»، تلاش نموده از تعدادی از داستان‌های شاهنامه برداشتی عرفانی ارائه دهد.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این مقاله حاکی از آن است که:

۱. به‌طور حتم یک موضوع واحد، جلوه‌های

گونه‌گونی را فراروی ماقرار می‌دهد. رشته‌های جدید ضرورت‌های جدید را می‌طلبد. اما از سوی دیگر باید به این نکته نیز توجه داشت که یکی از بسترهای اساسی و بنیادین جهت هر گونه تغییر و تحول در انجام دادن پژوهش‌های قوی‌تر، بسترسازی فرهنگی در آن کشور است؛ زیرا این امر، بدون توجه به فرهنگ و زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی کشور، کاری بسیار سخت است. لذا برای اجرای هر گونه تحولی که جنبه بنیادی داشته باشد، توجه به فرهنگ آن جامعه ضروری است.

۲. چالش‌های پیش‌روی تألیفات فردوسی‌شناسی، به دو مسئله قابل تقسیم است: نخست، مسئله محدود بودن نگارندگان به تجربیات خود و نداشتن ارتباطات لازم با سایر رشته‌ها برای استفاده از راهکارهای موفق آن‌ها، و دیگر در نظر نگرفتن تدابیر لازم برای جمع‌آوری دانش در این زمینه‌ها به دلایل زیر:

۲-۱. اهداف بهره‌ورانه برخی از نویسندگان، سبب شده است تا روزبه‌روز بر شمار تألیفات فردوسی‌شناسی افزوده شود. بنابراین، امروزه تحقیقات در این زمینه، نیازمند نگاهی روشمند است؛ نگاهی که به وسیله آن بتوان لایه‌های زیرین داستان‌های شاهنامه را کاوید و در طی آن به ابهام‌زدایی نکات تاریک آن‌ها، کمک کرد.

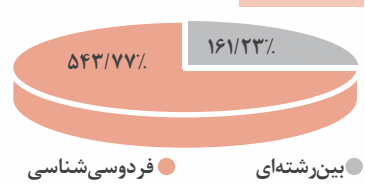
۲-۲. فعالیت‌های علمی بسیاری در زمینه شاهنامه و فردوسی در ایران جریان دارد؛ آثاری که در آن‌ها تنها به ارائه اطلاعات بسنده شده، اما فاقد تحلیل و بینش خاصی است. برای مثال، اکثر کتاب‌هایی که در بخش انواع ادبی از شاهنامه و تحلیل دینی قرار گرفته‌اند، در این گروه جای می‌گیرند. بنابراین، لازمه موفقیت در ارائه آثار بین‌رشته‌ای، اصالت تحلیل است، نه اصالت اطلاعات.

۲-۳. متأسفانه، تعداد آثاری که در آن‌ها با رویکردهای مختلف به بررسی و تحلیل فردوسی و شاهنامه او پرداخته‌اند، بسیار اندک است. برای مثال، در بعد سیاسی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و عرفانی شاید به دلیل انتقادگریزی، نویسندگان همچنان به طرح دیدگاه‌های برون‌متنی به مدد روش بین‌رشته‌ای، آن گونه که بایسته

است، نپرداخته‌اند. در صورتی که، هدف اصلی پژوهش‌های ادبی، باید فهم جوهر متن، تفسیر و نقد آن‌ها باشد.

۲-۴. برای ساختن و محکم کردن بیش از پیش مبانی علمی شاهنامه، باید نگاه پژوهشگران به وسیله روش بین‌رشته‌ای به مسائل جزئی داستان‌های شاهنامه، معطوف شود. چرا که این امر، می‌تواند در فرآیند تولید و نوآوری بسیار مؤثر باشد.

نمودار شماره (۳) درصد فراوانی پژوهش‌های بین‌رشته‌ای در میان پژوهش‌های فردوسی‌شناسی



پی‌نوشت‌ها

۱. لازم است یادآوری شود از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۸۷، تعداد ۱۹۵۲ عنوان کتاب در زمینه شاهنامه و فردوسی فهرست شده، در حالی که پژوهش‌شده‌ها ۷۰۴ عنوان است. دلایل کسر این تعداد، با توجه به قلمرو تحقیق، از این قرار است: ۱. ارائه چندین فهرست از یک کتاب. ۲. کسر کتاب‌هایی که در سال ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ فیا گرفته‌اند یا منتشر شده‌اند. ۳. کسر تعداد ۱۰۶ عنوان مربوط به کتب ترجمه. ۴. کسر تعداد ۱۷۹ عنوان مربوط به کتب قبل از سال ۱۳۵۷ (این کتاب‌ها پس از انقلاب اسلامی تجدید چاپ نشده است). ۵. کسر تعداد ۷۵ عنوان مربوط به مجموعه مقالات و سخنرانی‌ها. ۶. قرار دادن تمام کتاب‌هایی که به صورت مجموعه نگاشته شده بود، در ذیل یک عنوان. ۷. کسر تعداد ۱۰۸ عنوان کتاب که در کتابخانه ملی موجود نبود، بنابراین، تعداد ۷۰۴ عنوان کتاب، در قلمرو پژوهش قرار گرفت.

۲. امروزه یکی از مهم‌ترین عواملی که سبب رکود در پژوهش می‌شود، انتخاب روش نامناسب است. این روش نامناسب در میان پژوهش‌های ادبی، بالخصوص در پژوهش‌های فردوسی‌شناسی موجب رکود بیشتر شده است، اما انتخاب یک روش صحیح، مانند روش میان‌رشته‌ای می‌تواند نکته‌های ناگفته فراوانی را از خلال داستان‌های آن به ما بشناساند. در یک نگاه، در این روش، با استفاده از دانش‌های مختلف به ادبیات نگرینس می‌شود. به‌طور مثال: پژوهشگر فردوسی و شاهنامه، در نخستین گام، باید از خود بپرسد که داستان‌های شاهنامه ریشه در کدام علم می‌تواند داشته باشد، تا بتواند اثری نو و متفاوت با گذشته بیافریند و نیازهای پژوهشگران امروز این میدان‌نگار را برطرف سازد. از جمله، کتاب «پیام‌های پرورشی در شاهنامه فردوسی»، اثر بهین دارانی که در آن با رویکرد روانشناختی به بررسی و تحلیل شخصیت افراد شاهنامه می‌پردازد، در این جرگه قرار می‌گیرد. بنابراین، بسیاری از مسائل مطرح شده در شاهنامه، ریشه در علوم مختلفی مانند ۱. روان‌شناسی. ۲. جامعه‌شناسی. ۳. سیاست. ۴. دین. ۵. عرفان. ۶. جغرافیا و ۷. انواع گونه‌گون ادبی دارد. گفتنی است چندرشته بودن با پژوهش‌های بین‌رشته‌ای تفاوت دارد. چندرشته‌ای بودن مانند فهم ظاهری یک متن کهن با استفاده از بررسی‌های

واژگانی، دستور زبان، آرایه‌های ادبی و... است. از این‌رو،بعاد دیگر تألیفات فردوسی‌شناسی، اسطوره‌شناختی، زبان‌شناختی، زیبایی‌شناختی، تاریخی، تطبیقی و عناصر و مؤلفه‌های آثار حماسی، در این جرگه جای می‌گیرند.

۳. «اگر بخواهیم به ادبیات هم از دیدگاه علمی نگاه کنیم، باید بتوانیم آثار ادبی را طبقه‌بندی کنیم و انواع مشابه آثار ادبی را در طبقات مخصوصی قرار دهیم. زیرا مهم‌ترین مختصه علم این است که می‌تواند طبقه‌بندی کند. این مهم در ادبیات به‌وسیله انواع ادبی صورت می‌گیرد» (شمیسا، ۱۳۷۵: ۱۲).

۴. جعفر پایور در مقدمه کتاب خود می‌نویسد: بازنویسی و بازآفرینی از روش‌های مهم آفرینش آثار ادبی است. او می‌نویسد: «سیاسی از آثار کهن فارسی با بهره‌مندی از این روش‌ها به‌وجود آمده‌اند. بنابراین، بحث درباره آن‌ها و اهمیت شناخت این روش‌ها، ضروری است برای ادبیات فارسی. در نهایت، بازنویسی و بازآفرینی را به‌عنوان یک نوع نویسندگی و همانند با نویسندگی معرفی نموده است» (پایور، ۱۳۸۸: ۲۲-۲۱).

منابع

۱. بیانگرد، اسماعیل. (۱۳۸۷). روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی (ج ۱ و ج ۲). تهران: نشر دوران.
۲. بیضایی، بهرام؛ سیاوش خوانی (فیلم‌نامه)، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۷۵.
۳. پایور، جعفر به همراه فروغ‌الزمان جمالی، بازنویسی و بازآفرینی در ادبیات، تهران: نشر چشمه، ۱۳۸۸.
۴. پرهام، باقر؛ با نگاه فردوسی، مبانی نقد خرد سیاسی در ایران (ویراست دوم با چند گفتار تازه)، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۳.
۵. جوادی، جواد؛ فریدونیان، ضحاکیان و مردمان (به ضمیمه اسطوره چیست علی‌حضور)، تهران: نشر چشمه، ۱۳۷۰.
۶. دارابی، بهین، پیام‌های پرورشی در شاهنامه فردوسی، زنجان: دانشگاه آزاد اسلامی زنجان، ۱۳۷۲.
۷. دبیرسیاهی، سعیدمحمد، برگردان روایت‌گونه شاهنامه فردوسی به نثر، تهران: نشر قطره، ۱۳۸۰. (این کتاب با همکاری نشر بیرنگ منتشر شده است).
۸. رزاقلی، علی؛ جامعه‌شناسی خودکامگی (تحلیل جامعه‌شناختی ضحاک مارودش)، تهران: انتشارات نی؛ چاپ هشتم ۱۳۷۷، ۲۴۴ص.
۹. رستنده، مجید؛ قرآن و حدیث در شاهنامه فردوسی؛ همدان: انتشارات مفتون همدانی؛ چاپ اول ۱۳۷۸؛ ۲۶۷ص.
۱۰. سمنانی، احمد؛ فردوسی (سروده‌خوان وحدت و حماسه ملی ایران)، تهران: نشر ندا، ۱۳۷۹.
۱۱. عطایی‌فرد، امید؛ ایران بزرگ (جغرافیای اسطوره‌ای و تاریخی مرزها و مردمان ایرانی)؛ تهران: انتشارات اطلاعات؛ چاپ اول ۱۳۸۴؛ چاپ دوم ۱۳۸۸؛ ۱۷۲ص.
۱۲. قلم‌پناه، یدالله با مقدمه دکتر صابر امامی؛ عرفان در شاهنامه؛ تهران: انتشارات حکایتی دگر...؛ چاپ اول ۱۳۸۷؛ ۳۰۸ص.
۱۳. کریمان، حسین (به کوشش علی میرانصاری)؛ پژوهشی در شاهنامه (در باب ری، پهنه تهران؛ البرز؛ مازندران طبرستان؛ مازندران مغرب و مازندران مشرق در شاهنامه)؛ تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران؛ چاپ اول ۱۳۷۵؛ ۳۹۸ص.
۱۴. محمودی‌بختیاری، علیقلی، شاهنامه آشخور عرفان، تهران: نشر علم، ۱۳۷۷.
۱۵. معزی، امیرناصر؛ ادبیات و روان‌پزشکی (داستان‌هایی از فردوسی)؛ تهران: انتشارات دکتر امیرانصاری معزی؛ چاپ اول ۱۳۸۳؛ ۱۹۶ص.
۱۶. مسورن، ادگار؛ درآمدی بر اندیشه پیچیده، تهران، انتشارات نی، ۱۳۷۹.